

E-ISSN: 2709-9369  
P-ISSN: 2709-9350  
[www.multisubjectjournal.com](http://www.multisubjectjournal.com)  
IJMT 2021; 3(1): 38-43  
Received: 17-12-2020  
Accepted: 20-01-2021

پوهنمل دكتور عبدالحق  
حنيف  
عضو كادر علمى پوهنحى  
شرعيات پوهنتون پروان

## بررسی حکم شرعی و قانونی درج نام مادر در شناسنامه

پوهنمل دكتور عبدالحق حنيف

### خلاصه

شناسنامه وسیله معرفت و شناخت اتباع هر کشور است و شهرت هر شخص با برخی مشخصات برجسته وی در آن درج می شود تا باشد با استناد به آن یک تبعه از حقوق و مسئولیت های شهروندی اش بهره مند گردد.

سبب نگارش مقاله کنونی (بررسی فقهی و حقوقی درج نام مادر در شناسنامه) جدید بودن این موضوع است که در این اواخر سروصداهای پیرامون درج نام مادران در شناسنامه منحنیت یک حق برای مادر از طرف برخی فعالان حقوق زن مطرح گردیده و احصائیه مرکزی در حال رأی زنی چگونگی درج آن است.

تحقیق کنونی می تواند به حل مشکل پیش آمده پیرامون این معضله پردازد و سوالات پیش آمده را پیرامون حکم شرعی و حقوقی موضوع حل نماید چنانچه هدف اصلی تحقیق نیز همانا واضح ساختن حدود مشروع و نام مشروع و تبیین ابعاد پیدا و پنهان آن بوده که با روشی تحقیقی و تحلیلی در روشنی نصوص شرعی و مواد قانون ثبت احوال نفوس صورت گرفته است.

موضوعات عمده بحث کنونی، بیان هدف اصلی شناسنامه، مشروعیت و عدم مشروعیت درج نام مادر در شناسنامه و اهداف مرموز عقب موضوع درج نام مادر در شناسنامه می باشد.

یافته های تحقیق کنونی عبارتند از: مشروعیت درج نام مادر همزمان با ذکر نام پدر، علی رغم عدم ضرورت به آن، عدم مشروعیت درج نام مادر با حذف نام پدر از کنار آن زیرا اصل در شریعت اسلامی آنست که نسب فرزند منسوب بسوی پدرش شود مگر در حالاتی که طفل از نطفه زنا به دنیا آمده باشد، یا پدرش نسب او را نفی کرده باشد که درین صورت طفل حق دارد منسوب به مادرش شود همچنان قانون ثبت احوال نفوس افغانستان در زمینه چگونگی درج نام طفل ولدالزنا و لقیط و اختیار نام پدر یا مادر برای آنها خلاهایی دارد که باید مرفوع گردد.

از آن جهت که در شرایط کنونی درج نام مادر در شناسنامه ها نیاز نیست و حتی در اکثر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مودل ندارد بیانگر اهداف شوم و مرموز پشت پرده است که خطرات از هم پاشیده شدن نظام خانواده و گسست رابطه نسبی میان فرزندان و پدر را در پی دارد.

واژه های کلیدی: شناسنامه، نام مادر، نام پدر، نام فرضی، ولدالزنا، مجهول الهویه، لقیط، نسب، میراث، نفقه.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على آله و صحبه و من والاه.

و بعد!

تذكرة تابعیت یا شناسنامه از وسائل مهم شناسایی اتباع هر کشور است که در نخست بعد از به میان آمدن مرزهای رسمی میان قلمروهای اسلامی و غیر اسلامی و آهسته آهسته با ایجاد مرزهای رسمی میان قلمروهای هردو سرزمین (سرزمین اسلامی و غیر اسلامی) نیز مطرح گردید ضرورت به هرحال به مرور زمان نیازهای خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اتباع هر کشور باعث شد تا هر تبعه بر گهه شناسایی که معرفت هویت و جنسیت وی بوده باشد با خود داشته باشد تا از یکطرف فرق او با تبعه کشور خارجی و از طرف دیگر نسبت او با خانواده، قوم، نژاد و محل سکونت اصلی و فعلی وی واضح باشد، جهت برآورده شدن هرچه بهتر و روشن تر نیازها و اهداف یاد شده باید نام هر شخص با نام پدر و پدر کلانش که اصول نسبی او می باشند در تذکره یا شناسنامه اش درج باشد چنانچه شناسنامه ها نیز در امتداد زمانه های

Corresponding Author:

پوهنمل دكتور عبدالحق  
حنيف  
عضو كادر علمى پوهنحى  
شرعيات پوهنتون پروان

مختلف به اشکال مختلف با همین محتوا در ضمن یاد آوری برخی علایم و مشخصات افراد شکل گرفته و در همه زمانه های تقریباً به همان اهدافی که اشاره شد متفق بوده است.

اخیراً در کشور ما افغانستان موضوع اعتبار و دقت در شناسنامه ها داغ تر گردیده و وارد مرحله جدیدتری شده است که هدف دارد مانند سایر کشورها در تشخیص هرچه بیشتر هویت افراد، تأمین امنیت، جلوگیری از وقایع ناگوار، جلوگیری از تقلبات و تخلفات انتخاباتی و سایر موضوعات مدنی و سیاسی نقش خود را ایفا نموده اعتبار ملی و بین المللی داشته باشد. که این مأمول در تهیه و دیزان تذکره های الکترونیکی وابسته گردیده و گمان برده می شود مانند سایر کشورها نقش مقتضی اش را در عرصه های یادشده ایفا نماید به هرحال همزمان با روی کار آمدن شناسنامه های جدید صروضداهایی از طرف برخی فعالان به اصطلاح "حقوق زن"، "جامعه مدنی" و غیره بالا گرفته است تا نام مادر باید درج تذکره الکترونیکی شود اینها دلایلی را نیز بر این خواست و مدعای شان پیشکش می کنند از قبیل حقدارتر بودن مادر بر فرزندان نسبت به پدر، تساوی حقوق زن و مرد و غیره. چنانچه این موضوع اولاً در اداره مرکزی احصائیه، ثبت احوال نفوس و سپس در شورای ملی نیز مطرح گردید که موافقان و مخالفان خود را هم در شورای ملی و هم در میان مردم کشور ما داشته است. مشکل و سوال پیش آمده پیرامون مسأله عدم وضوح جوانب پنهان موضوع و چگونگی حکم شرعی و حقوقی آن نزد عامه مردم است. لذا ضرورت احساس شد تا به هدف حل مشکل یادشده، پاسخ به سوال مذکور، و توضیح حکم شرعی و حقوقی موضوع کنونی بحث و تحقیق نماییم.

### مدخل بحث

چنانچه در مقدمه اشاره شد بحث پیرامون موضوع یادشده ایجاب تحقیق همه جانبه را می کند لذا در این مقاله کوشش می شود تا بحث به گونه علمی، واقع بینانه و غیر احساساتی باشد.

از نظر بنده موضوع درج نام مادر در شناسنامه ها از سه ناحیه قابل بحث است:

- ۱ - هدف شناسنامه؛
  - ۲ - مشروعیت و عدم مشروعیت درج نام مادر در شناسنامه؛
  - ۳ - اهداف پنهانی و مرموز در عقب این موضوع؛
- هرسه بحث یادشده به نحوی باهم مرتبط اند که با تحقیق یکی آنها چگونگی دیگرش روشن تر می شود که در ضمن مطالب جداگانه ذیلاً به آنها می پردازیم:

### مطلب اول: هدف شناسنامه

بطور فشرده هدف شناسنامه که همانا مشخص شدن بهتر هویت و معرفی هرچه دقیق تر دارنده شناسنامه است در گام نخست می تواند سه طبقه اشخاص را شامل شود:

- ۱ - اشخاص معلوم النسب؛ کسانی که در نتیجه ازدواج و فراش مشروع به دنیا آمده نسب شان معلوم است.
  - ۲ - اشخاص کاملاً مجهول النسب؛ کسانی که پدر و مادر معلوم ندارند، مانند: لقیط (طفل یافته شده).
  - ۳ - اولاد الزنا؛ اشخاصی که از نطفه زنا به دنیا آمده اند، پدر معلوم ندارند لکن مادر آنان معلوم است.
- حکومت مکلف است اتباع کشور را شناسایی کند چنانچه حقوق و وجائب اتباع از قبیل، معلوم بودن نسب و سایر حقوق و وجایب مدنی و سیاسی با همه آثار و پیامدهای آن نیز به این مسأله گره خورده است. هرگاه افراد و اشخاص فوق الذکر برای دریافت تذکره تابعیت مراجعه کنند، اگر از طبقه سوم (ولدالزنا) باشند حق دارند بنام مادر شناسنامه بگیرند چون دیگر راهی برای شناسایی و احیاء برخی حقوق آنان که متعلق به نسب و شناسنامه است وجود ندارد و به فرض اینکه مرد زناکار معلوم باشد و ادعای نسب ولد را نکند باز هم منسوب به مادر می شوند مذاهب چهارگانه اهل سنت بر این دیدگاه اتفاق نظر دارند (محمود، 2008: 40). دلیل منسوب گردیدن ولدالزنا به مادرش این حدیث است: « عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا عَنَ بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَتِهِ فَأَنْتَفَى مِنْ وَلَدِهَا فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَالْحَقُّ الْوَلَدُ بِالْمَرْأَةِ » (بخاری، 1428: 378/16). ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم میان یک زن وشوهر ملاعنه کرده سپس فرزند را از مرد نفی نموده در میان زوجین تفریق ایجاد نمود و فرزند را مربوط مادرش ساخت. اگر از طبقه دوم (کاملاً مجهول النسب) باشند، دو حالت متصور است:
- ۱ - در صورتی که به نسب کسی اقرار میکند و مقرله می پذیرد، یا کسی دیگر نسب او را ادعا می کند، یا شهود با اهلیت شهادت میدهند، در این حالات تابع احوال نسب گردیده در تمام مسائل حقوقی مانند اشخاص معلوم النسب می باشد (کاسانی، 1406: 7/6). ماده 28 قانون ثبت احوال نفوس کشور نیز در مورد ادعای بنوت می گوید: « شخصی که در مورد بنوت (فرزند بودن) ادعا نماید و محکمه ذیصلاح به بنوت مدعی نسب حکم کند، مرجع ثبت احوال نفوس مربوط می تواند تذکره تابعیت را به اساس وثیقه به وی توزیع نماید». از این ماده قانون معلوم می شود که هرگاه خانمی با طفلش با داشتن حکم محکمه مبنی بر اینکه فرزند اوست ولو پدرش معلوم نیست (قطع نظر از اینکه چه جزایی بر وی آمده است یا خواهد آمد) در مرکز ثبت احوال نفوس مراجعه کند می تواند طفل را بنام خودش ثبت نماید. اما قرینه شیوه قانون گذاری در ثبت احوال نفوس نشان می دهد که هدف از کلمه "شخص" در این ماده مرد است نه زن لذا این برداشت دوگانه از نقیصه این قانون محسوب می شود. مگر اینکه این معضله را قرار محکمه فامیلی حل کرده باشد. والله اعلم.
  - ۲ - و در صورتی که ملحق به نسب هیچ کسی نشود، از آن جهت که زاده و تبعه کشور است باید از تابعیت محروم نشود، توزیع تابعیت برای اینگونه اشخاص می تواند با درج صرف

## مطلب دوم: مشروعیت و عدم مشروعیت درج نام مادر در شناسنامه

درج نام مادر در شناسنامه به دو صورت متصور است:

۱ - افزودن نام مادر بر علاوه نام پدر، طوری که ولد منسوب به پدر باشد، یا هر دو (والدین) مستقل تحریر شود. مثلاً:

نام: .....

نام پدر: .....

نام مادر: .....

نام پدرکلان: .....

یا؛

نام: .....

نام پدر: .....

نام مادر: .....

نام پدرکلان: .....

۲ - حذف نام پدر و ذکر نام مادر، طوری که ولد منسوب به مادرش شود. مثلاً:

نام: .....

نام مادر: .....

نام پدرکلان: .....

هریک از صورتهای فوق میتواند در نفس خود حالات متعدد داشته باشد، از قبیل ذکر نام مادر کلان و پدر کلان، یا صرف مادرکلان، یا صرف پدرکلان، مادرکلان پدري، مادرکلان مادري و غيره...

از آن جهت که فعلاً صرف موضوع درج نام مادر مطرح است از مثال زدن بقیه حالات صرف نظر می نمایم.

**حکم صورت اولی:** (افزودن نام مادر بر علاوه نام پدر): ذکر نام مادر در کنار نام پدر در شناسنامه، اساساً مانع شرعی ندارد چنانچه در پاسپورت، ویزه، احصائیه های گوناگون و غيره مواضع به هدف شناسایی، یادآوری از خاطرات، کارنامه ها، حکایات تاریخی، قصص، مواعظ و غيره یاد می شود.

در قرآن کریم از زنان انبیاء علیهم السلام و سایر زنان به گونه عام تذکر رفته، و به گونه مشخص حضرت عیسی علیه السلام منسوب به مریم (مادرش) شده است. آیاتی که به گونه عام آمده است ارتباط زیاد به موضوع ندارد از آن صرف نظر میکنیم. و آیاتی که بگونه مستقیم یا غیر مستقیم شخص را منسوب به مادرش ساخته بگونه مثال: خداوند متعال فرموده است: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ

وَالذِّكْرُ...» (سورة المائدة: 110). ترجمه: (به یاد بیاور) هنگامی را که خداوند (به عیسی پسر مریم) می فرماید: «ای عیسی پسر مریم! نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم به یاد آور!» می بینیم که در این آیه خداوند متعال حضرت عیسی علی السلام را منسوب به مادرش ساخته و نام مریم را به صراحت یاد کرده است (عیسی پسر مریم). و خداوند متعال دیگر جا فرموده است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۗ

نام خودشان، یا انتخاب نام فرضی به عوض پدر و پدرکلان، یا پدر و مادر، یا بنام ملتقط (یابنده) و... یا سائر مشخصات صورت گیرد. چنانچه در برخی کشورهای اسلامی برای پدر و مادر چنین اشخاص نام فرضی درج میکنند و در ذیل آن ضمن یادداشت کوتاه از مجهول النسب و فرضی بودن نام والدینش یادآور می شوند (قانون ثبت احوال، 1363: 17). و یا اینکه به اساس حکم محکمه که الزاماً در مورد چنین اشخاص محکمه باید تصمیم بگیرد و تمام تحقیقات را پیرامون نسب مجهول الهویت انجام دهد در صورت پیداشدن نسب مشکل حل می شود و در غیر آن "حجت مجهول الهویت بودن" را صادر می نمایند که در آن برای طفل مجهول النسب و والدینش نامهایی را تعیین نموده به ثبت احوال نفوس می فرستند و ثبت احوال نفوس به رویداد آن تذکره تابعیت را برای چنین اشخاص طبق حکم محکمه توزیع می کند پس در تذکره شان نام مادر نیز در کنار نام پدر درج می شود (قانون الأحوال المدنية العراقية، 1972: 32). در عرف مردم افغانستان تاجایی که بنده معلومات دارم اطفال یافت شده را مانند فرزند نسبی خویش بدون کدام تفکیک در شناسنامه ثبت می کنند.

قابل یادآوریست که قانون ثبت احوال نفوس افغانستان هرچند از اطلاع دهی و توزیع تذکره برای اطفال مجهول الهویه طی ماده های (۱۸) و (۱۹) خویش و تشکیل کمیسیون مشترک از ادارات ذیربط صحبت کرده و صلاحیت را به کمیسیون وا گذار کرده است (قانون ثبت احوال نفوس، 1396: 18، 19). اما خود نحوه درج هویت و توزیع شناسنامه برای چنین اشخاص را به شکلی که آیا نام پدر و پدرکلانش چگونه باشد، آیا منسوب به پدر شود یا مادر؟ یا نام پدر و مادر هر دو برایش انتخاب شود و... پیش بینی نکرده است (که این وضعیت نیز نقیصه دیگری در قانون متذکره است). یعنی ایجاب می نماید همانند اشخاص معلوم النسب نحوه درج شهرت مجهول الهویه را بیان می کرد چنانچه ماده (۶) قانون متذکره درج نام، نام پدر، نام پدرکلان و سایر مشخصات اشخاص معلوم الهویه را با عبارات مشخص تعیین کرده است.

و اگر از طبقه اول (معلوم النسب) باشند؛ تاکنون (عصر حاضر) در اکثریت کشورها برای تشخیص هویت افراد نام خود شخص با پدر و پدر کلانش درج شناسنامه می شود، با اندک تغییراتی در ذکر و عدم ذکر تخلص و برخی کشورها عدم ذکر نام پدر کلان و ...

**خلاصه:** در بحث هدف شناسنامه که عبارت از معرفی هرچه بهتر هویت اتباع یک کشور نسبت به کشور دیگر و تفکیک افراد از یکدیگر شان در داخل کشور و مشخص بودن نسب افراد است، درج نام، نام پدر، نام پدرکلان با سائر مشخصات ضروری، کافیت چنانچه نه تنها افغانستان بلکه اکثریت کشورهای جهان از همین روش استفاده می کنند و بهتر تجربه هم کرده اند.

1422: 241/3)، (ابن قدامه، 1422: 266/6).

وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۖ ... «(سورة الأحزاب: 6). ترجمه: پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویّت بیشتری دارد و همسران پیغمبر، مادران مؤمنان محسوبند. در این آیه به شکل غیر مستقیم از همسران پیامبر اکرم نام برده است. و این آیه: «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ...» (سورة النحل: 78). ترجمه: خداوند شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید. این آیه نیز از مادران انسانها یاد می کند. و آیه: «مَا الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهٖ الرَّسُوْلُ وَاُمُّهُ صَدِيْقَةٌ ۗ ...» (سورة المائدة: 75). ترجمه: مسیح پسر مریم جز پیغمبری نبود. پیش از او نیز پیغمبرانی (چون او انسان و برگزیده یزدان بوده اند و به میان مردمان روانه شده اند و پس از روزگاری از دنیا) رفته اند، و مادرش نیز زن بسیار راستکار و راستگوئی بود (خرم دل، ب: 48). و غیره آیات...

همچنان در احادیث نبوی، اخبار و آثار صحابه کرام، تابعین، و سائر سلف صالحین، کتب سیرت، تاریخ و غیره نامهای زنان یاد شده و بسا بزرگان بنامهای مادرشان شناخته شده و صدا زده شده اند، حضرت عائشه صدیقه لقب (ام المؤمنین) گرفته است. احادیث و مثالهای زیادی در زمینه وجود دارد که از جهت واضح بودن موضوع نیاز نیست یاد آور شویم. قابل یاد آوریست که علی رغم جواز ذکر نام مادر در کنار نام پدر، بازهم هیچ ضرورتی برای درج آن در تذکره تابعیت احساس نمی شود زیرا اگر فرض بر این باشد که ذکر نام مادر برای شناسایی بیشتر افراد و اتباع کمک می کند این درست نیست چون هر شخص با ذکر نام پدر و پدرکلانش کاملا شناخته می شود. و اگر فرض بر این باشد که قدر مادران بجا شود یا حق شان ادا گردد، هر عاقلی این را میدانند که حقوق مادران و زنان به درج نام شان در تذکره ادا نمیگردد.

**حکم صورت دومی:** (حذف نام پدر و منسوب ساختن فرزند بسوی مادر)؛ در این صورت اگر فرزند "ولدالزنا" باشد (ولد از زنی به دنیا آمده است شوهر ندارد و باکسی که زنا کرده نیز معلوم نیست، یا معلوم است اما زانی مدعی نسب ولد نیست)<sup>1</sup> طبعا منسوب به مادر است چون از نطفه زنا به دنیا آمده نه فراش(نکاح). چنانچه پیامبر اکرم فرموده است: «الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ، وَلِلْعَاهِرِ الْحَجْرُ» (بخاری و مسلم، 1428هـ: 6252). ترجمه: فرزند از صاحب نکاح است، و برای زنا کار جز رسوایی (رجم) چیزی دیگر نیست. پس فرزند به زانی(مرد زنا کار) منسوب نمی شود و از او میراث نمی برد بلکه مربوط به مزنیه(مادر) است. حتی اگر زانی مدعی شود که ولد زنا از اوست بازهم از نظر جمهور علماء منسوب به مرد زناکار نمی شود(زیلعی، 1428: 418)،(قلیوبی و عمیره،

اما اگر فرزند در نتیجه ازدواج مشروع به دنیا آمده (پدر و مادر مشروع و معروف) داشته باشد، حذف نام پدر و منسوب ساختن به مادر با در نظر داشت ظاهر برخی نصوص شرعی جواز ندارد چنانچه در این قول خداوند متعال آمده است: «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ ۗ فَاِنْ لَمْ تَعْلَمُوْا اَبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّيْنِ وَمَوَالِيكُمْ ۗ .....» (سورة الأحزاب: 5). ترجمه: آنها (فرزند خوانده ها) را به نام پدرانشان بخوانید که این (کار) نزد خدا منصفانه تر است، پس اگر پدرانشان را نمی شناسید، برادران دینی شما، و موالی شما هستند....".

وجه استدلال: از کلمه " ادعوهم لآبائهم" حد اقل سه مطلب دانسته می شود ۱- فرزند خوانده در احکام میراث، حریمیت و غیره مثل فرزند نسبی نیست. ۲ - فرزندخوانده وقتی نسبش معلوم باشد باید بسوی پدر نسبی اش منسوب شود نه پدرخوانده اش. ۳- فرزندان بسوی پدران منسوب می شوند.

همچنان خداوند متعال در وقت یادآوری کسانی که پدر و مادر دارند آنان را بسوی پدر نسبت کرده است چنانچه فرموده است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي اُحْصِنَتْ فَرْجَهَا» (التحریم: 12).

ترجمه: همچنین خداوند (از میان مؤمنان، دومین الگو) مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن به گناه نیالود و خود را پاک نگاه داشت. وجه استدلال: در این آیه قرآن می بینیم که مریم منسوب به پدرش شده است(مریم بنت عمران) باوجود آنکه مادر هم داشت.

لذا فرزند در صورت داشتن پدر، بسوی پدر منسوب می شود و همچنان در غالب اوقات بنام پدر صدا زده می شود. حکمت های در این زمینه نیز وجود دارد که برخی علماء بیان کرده اند مثلا:

- پدر متکفل نفقه و مصارف اولاد است.
- پدر نسبت به مادر بیشتر مکلف به دفاع و حمایت فرزندان است.
- پدر ولی فرزندان است خصوصا اولاد صغیر، مجنون و غیر رشید اش.
- سنت الهی بر این است که فرزندان به گونه غالب بسوی پدر نسبت داده می شوند چنانچه در آیات قرآنکریم هرجا ذکر اولاد آدم به میان آمده به نام پدرشان اینگونه خطاب شده "یا بنی آدم" یعنی ای فرزندان آدم! همچنان در احادیث، اخبار، روایات و غیره موضوعات همیشه شخص به نام پدر یاد شده است مگر در برخی موارد که شخص پدر نداشته مثل حضرت عیسی علیه السلام، یا مادرش نسبت به پدر مکانة و جایگاه بلند داشته بنام مادر یاد شده است.
- از آن جهت که مادر مستور بوده و از جمله عورات پنداشته می شود، صدا زدن فرزندان بنام مادرشان در هرجا و هر وقت باعث اذیت روحی مادر و فرزندان می شود خصوصا در جوامعی که عرف و عادت مردم بر عدم

۱. اینکه یک زن طفل به دنیا می آورد شوهرش معلوم نیست یا ادعا دارد ۱ شوهرش فلان شخص است لکن او شخص انکار می کند یا از نسب طفل منکر است و غیره مسائل ... بحث مستقل دیگری می طلبد که در این تحقیق نمی گنجد.

**مطلب سوم: اهداف پنهانی و مرموز عقب این موضوع**

اگر در پشت پرده اهداف شوم و نامطلوب نهفته باشد مانند برخی انستیتوت ها بنام مطالعات استراتژییک و برخی نهادها و مراکز دیگر که هدف شان از بین بردن و یا کم ارزش جلوه دادن ارزشهای دینی، یا افراطی خواندن نصاب معارف و مضامین ثقافت اسلامی، فرهنگ و ثقافت مشروع مردم مسلمان افغانستان و غیره باشد طبیعیتست که این امر نا روا بوده جلو آن باید گرفته شود.

مطرح ساختن درج نام مادر در تذکره تابعیت و طرح تعدیل قانون ثبت احوال نفوس به درخواست و پیشنهاد اشخاص مجهول الحال گویای شک و تردیدهای است قابل نگرانی و پیگیری. زیرا این طرح در حالی مطرح می شود که هیچ نیازی برای درج نام مادر در تذکره های تابعیت دیده نمی شود چنانچه اکثریت مطلق کشورهای اسلامی و حتی اکثریت کشورهای غیر اسلامی را می بینیم که اشخاص و افراد به نام پدر شان در شناسنامه ثبت گردیده اند یا صرف با نام و تخلص وی اکتفاء شده است. به گونه نمونه من شناسنامه های بیش از پانزده کشور اعم از اسلامی و غیر اسلامی را دیدم که همه دارندگان به نام پدر ثبت گردیده اند و نام مادر در هیچ یکی آنها دیده نمی شود این کشورها عبارتند از: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان، مالیزیا، اندونیزیا، ایران، هند، آمریکا، مالیزیا، استرالیا، انگلستان، سویدن، پولند، کروشیا، چین، هانکانگ و... سوال اینجاست که آیا افغانستان در ایجاد نو آوری های مثبت یا اعطای حقوق زن و غیره مسائل از کشورهای یاد شده پیش قدم است؟ هرگز! خوب اگر فرض بر این باشد که با افزودن نام مادر اتباع کشور را به خوبی شناسایی می توانیم پس باید نام مادرکلان نیز ذکر شود که در این صورت هویت یک شخص مجهول تر خواهد شده چالشهای حقوقی بیشتر به میان خواهد آمد چنانچه به برخی این چالشها قبلا اشاره شد. و اگر فرض بر این باشد که مادران نام خود را در تذکره ببینند و حق شان ادا شود یا قدر و عزت شان بجا شود این کار از نظر عقلاء منطقی ندارد زیرا میدانیم که به درج نام در تذکره نه تنها حقوقش ادا نمی شود بلکه مورد بی قدری، بی احترامی، دشنام و تمسخر قرار خواهند گرفت. وقتی چنین فرضیه ها امکان ندارد، احتمالات دیگر پیش می آید. مثلا:

احتمال دارد با درج نام مادر عده ی به زعم خودشان تابو شکنی کرده و با سنت ها و فرهنگ رایج این مردم مبارزه می کنند که چنین کاری نیز جواز ندارد زیرا فرهنگ، عرف و عنعناتی که مغایر احکام شریعت نباشد محترم و قابل حفاظت است. بلکه عرف مشروع به اتفاق دانشمندان و حقوق دانان از منابع قانون بوده و یکی از مصادر اختلافی در فقه اسلامی محسوب می شود. در عین حال جابجایی نام مادر به عوض نام پدر عواقب ناگوار و مفاسد ذیل را می تواند در قبال داشته باشد:

- از هم پاشیدن رابطه نسبی میان فرزندان و پدر.

اظهار نام مادر شده است. مانند جامعه افغانی که ذکر نام مادر را نزد مردم بدون ضرورت ننگ و عار میدانند و بسا اوقات باعث جنگ و درگیری میان جوانان می شود. حتی گرفتن نام مادر را وقت نزاع دشنام می پندارند.

- بری شمردن زن(مادر) از زنا و برائت طفل از ولد زنا بودن، زیرا وقتی طفل به نام مادر ندا شود یا به نام مادر تذکره بگیرد نزد هرکسی سوال پیدا می شود و در ذهن چنین خطور می نماید که شاید طفل از نطفه زنا بوده و به مادرش ملحق شده است(ابن قیم، 1391: 131).

همچنان منسوب بودن فرزند در تذکره از لحاظ حقوقی فوایدی دیگری نیز دارد مثلا:

- تقسیم میراث پدر به اساس ثبوت نسب از پدر صورت می گیرد و آن از طریق نسبت ولد بسوی پدر در تذکره تابعیت تحقق می یابد.
- حصر وراثت نیز به فرض اینکه مورث مرد باشد از طریق شهود و تذکره ای صورت می گیرد که رابطه پدر با اولاد و سایر ورثه را نشان دهد.
- حین فرقت (طلاق، خلع، ایلاء، تفریق قضایی، فسخ به سبب ارتداد یکی از زوجین یا بروز حرمت مصاهره و...) میان زوجین، فرزندان به پدر تعلق می گیرند و مادر باشخص دیگر می تواند ازدواج کند لذا اولاد بدون سرگردانی با پدر خود باقی می ماند.
- شناسایی هر شخص با نام پدر آسانتر است نسبت به نام مادر از دو وجه؛

یکی اینکه جامعه افغانی و اکثر کشورهای اسلامی عرف و فرهنگ شان اینست که اشخاص را به نام پدر صدا می زنند و جستجو می کنند مثلا اگر آدرس کسی را بخواهند، مجرمی را تعقیب کنند و ...

دیگر اینکه اکثریت زنان در جامعه افغانی خودش شناسنامه ندارند و قابل شناسایی نیستند پس اگر فرزندان به نام مادر ثبت شوند چگونه شناخته خواهند شد؟

**خلاصه:** درج نام مادر درکنار نام پدر در صورتی که مانع انتساب ولد بسوی پدرش نشود مانع شرعی ندارد، با آنهم یک چنین ضرورتی در تذکره محسوس نیست.

درج نام مادر برای ولد الزنا، و منسوب شدن چنین اولاد بسوی مادر شان مانع ندارد بلکه یک حق است.

لقیط اگر کاملا مجهول النسب باشد هرچند در عرف مردم افغانستان بنام یابنده به حیث پدر ثبت می شود ولی نظر بنده اینست که نباید چنین شود بلکه به نام خود لقیط اکتفا شود یا نام فرضی بجای نام پدرش درج شود با تذکر لقیط بودن.

حذف نام پدر یا منسوب ساختن ولد بسوی مادر در صورت داشتن پدر، بنابر همان دلایلی که بیان شد جواز ندارد. والله اعلم.

**پیشنهادات:**

- ۱- مواردی که در آن به خطا رفته باشم امیدوارم اساتید و دانشمندان برای اصلاح آن همکاری نمایند.
- ۲- مراجع قانونگذار در تعدیل قوانین با علمای فقه و قانون هر دو مشوره نمایند.
- ۳- درج نام مادر در شننامه به آن حد ضروری نیست که مصارف گزاف را برای تعدیل آن به خرچ داده و از طرف دیگر باعث غوغا میان مردم افغانستان شود لذا مراجع محترم قانونگذار باید همه ابعاد این مسأله را به شمول عواقب آینده آن سنجیده اقدام نمایند.
- ۴- علمای دین دیدگاه توحید شده خویش را با مراجع ذیربط طرح تعدیل قانون ثبت احوال نفوس شریک سازند.

تاریخ تحقیق: 12 / 4 / 1399 هـ ش

**منابع و مأخذ**

1. قرآنکریم
2. ابن قدامة، موفق الدین عبد الله بن أحمد (1405هـ). المغنی، بیروت، دار الفکر.
3. بخاری، أبو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (1422هـ). الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله صلی الله علیه وسلم و سننه وایامه، المعروف بصحیح البخاری، بیروت، دار طوق النجاة.
4. جوزی، ابن قیم (1391هـ). تحفة المود بأحكام المولود، دمشق، مکتبة دارالبیان.
5. خرم دل، مصطفی (1380). تفسیر نور، المکتبة الشاملة، قسم التفاسیر، الإصدار الثالث.
6. زیلعی، فخرالدین (1313هـ). تبیین الحقائق شرح کنزالدقائق، قاهره، المطبعة الکبری الأمیریة، بولاق.
7. قانون الأحوال المدنی العراقی (1972م). جریده رسمی، عراق.
8. قانون ثبت احوال نفوس افغانستان (1393). جریده رسمی، کابل، وزارت عدلیه.
9. قانون ثبت احوال ایران (1363). با آخرین اصلاحات، ایران، تهران.
10. قلیوبی، احمد سلامه و عمیره، احمد برلسی (1415هـ). حاشیتا قلیوبی و عمیره، بیروت، دار الفکر.
11. کاسانی، علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد (1406م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الکتب العربی.
12. محمود، احمد عبدالمجید (2008). أحكام ولد الزنا فی الفقه الإسلامی. جامعة النجاح الوطنیة، فلسطین.
13. نیسابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری (ب ت). الجامع الصحیح المسمی بصحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- برهم خوردن نظم خانواده طوری که مادر عهده دار و متکفل نفقه و سرپرستی فرزندان در موجودیت پدر باشد و حتی پس از طلاق شدن (ولو از چندین شوهر به دنیا آمده باشند) نیز تذکره همه به نامش گردیده متعلق به وی باشد.
- کثرت اولاد زنا و گسترش فساد اخلاقی در جامعه، زیرا در این صورت هر عاهره ای به آسانی می تواند فرزند داشته باشد و بدون داشتن پدر سند تابعیت برایش اخذ نماید.
- خلط شدن ولد الزنا و مجهول النسب با اشخاص دارای والدین مشروع با نسب معلوم، چون هریک از این طبقه اشخاص در شریعت اسلامی در بسا مسائل حقوق خانوادگی و شهروندی احکام به خصوص خود را دارا می باشند در جامعه اسلامی که ۹۹٪ مسلمان و با انساب و خانواده های نظام مند دینی زیست می کنند تحت تأثیر مشت ناچیز لجام گسیخته قرار بگیرند خود یک فاجعه است.

**خلاصه:** از آن جهت که در شرایط کنونی درج نام مادر در شننامه ها نیاز نیست و حتی در میان سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مدل ندارد گویایی وجود اهداف شوم و مرموز پشت پرده است که خطرات از هم پاشیده شدن نظام خانواده، روابط نسبی و گسست اجتماعی و رابطه نسبی میان فرزندان و پدران را در پی دارد.

**نتیجه گیری**

در بحث هدف شننامه که عبارت از معرفی هرچه بهتر هویت اتباع یک کشور نسبت به کشور دیگر و تفکیک افراد از یکدیگر شان در داخل کشور و مشخص بودن نسب افراد است، درج نام، نام پدر، نام پدرکلان با سائر مشخصات ضروری کفایت چنانچه نه تنها افغانستان بلکه اکثریت کشورهای جهان از همین روش استفاده می کنند و بهتر تجربه هم کرده اند. درج نام مادر درکنار نام پدر در صورتی که مانع انتساب ولد بسوی پدرش نشود مانع شرعی ندارد، با آنهم یک چنین ضرورتی در تذکره محسوس نیست. درج نام مادر برای ولد الزنا، و منسوب شدن چنین اولاد بسوی مادر شان مانع ندارد بلکه یک حق است. لقیط اگر کاملاً مجهول النسب باشد هرچند در عرف مردم افغانستان بنام یابنده به حیث پدر ثبت می شود ولی نظر بنده اینست که نباید چنین شود بلکه به نام خود لقیط اکتفا شود یا نام فرضی بجای نام پدرش درج شود با تذکر لقیط بودن. حذف نام پدر یا منسوب ساختن ولد بسوی مادر در صورت داشتن پدر، بنابر همان دلایلی که بیان شد جواز ندارد. از آن جهت که در شرایط کنونی درج نام مادر در شننامه ها نیاز نیست و حتی در میان سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مدل ندارد گویایی وجود اهداف شوم و مرموز پشت پرده است که خطرات از هم پاشیده شدن نظام خانواده و گسست رابطه نسبی میان فرزندان و پدر را در پی دارد.